

ژوزف پازستکا

ترجمه: بابک قهرمان

(قهرمان قدرت نما)

ابعاد

اجتماعی

توسعه

(۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



بپردازم، بلکه می‌خواهم درباره ضرورت خاصی سخن بگویم که این اواخر برای بعضی از جوامع اهمیت خاصی یافته است. مقصودم از بعضی جوامع، کشورهاییست که از لحاظ پیشرفت‌های تکنیکی و اجتماعی عقب افتاده‌اند و دارند عقب می‌افتند. برای این جوامع و ملل، تعقیب کردن برنامه‌های (۱) مربوط به تغییرات اجتماعی، اقتصادی و بطور کلی فرایندهای توسعه، شرط اصلی حل موفقیت‌آمیز مسائل اساسی است.

ضرورت اساسی سیاست‌های معین برای ملل در حال توسعه

مطالعه فرایند تکاملی تمدن جهان نشان می‌دهد که این فرایند در شرایط اقتصادی و فرهنگی مردم، خواه فرد فرد آنها، یا گروه‌های اجتماعی و طبقات، و خواه ملل و نژادها، اختلافات روزافزونی بوجود می‌آورد. بین شرایط زندگی و کار یک انسان در کشورهای صنعتی تراز اول، و انسان مشابه در کشورهای عقب مانده تفاوتی است که اندازه‌گیری آن مشکل است.

نتایج حاصله از پیشرفت تمدن، همراه با رشد جمعیت، که در محیط اقلیمی انسان، واز آن مهم‌تر، در روابط اجتماعی و سیاسی در معیار جهانی تأثیر گذارده است، تفکر درباره آینده و چاره‌جویی‌های خاص را ضروری ساخته است. آگاهی روزافزون مردم نسبت باین امر در عقاید، دید و اصول آنها متجلی گردیده است.

امروزه، آندسته از نسل جوان که هنوز پای‌بند زندگی روزمره نشده‌اند، نسبت به چشم اندازها، معانی و هدفهای تمدن فعلی کنجکاوی خاصی بخرج می‌دهند. بنظر میرسد که مسائل و تقاضاهای مشابه در آینده بطور فزاینده‌ای مطرح گردند. ضرورتی که تا این اواخر به مسائل روشنفکری محدود میشد، امروزه دارد ابعاد سیاسی پیدا میکند. انسان باید به شیوه‌ای وسیع‌تر و پویاتر بیندیشد و عمل کند؛ به عبارت دیگر، این انسان باید هدف‌ها و راه حل‌های خود را بطور روشنتری در قالب ضابطه‌ها بریزد. با تمام این احوال، من قصد ندارم که به نیاز کلی انتخاب سیاست‌ها

و این تفاوت فقط به میزان رفاه مادی یعنی تنم غنی و فقر و گرسنگی فقیر خلاصه نمی‌شود. اثر آن بر رشد قابلیت سازندگی انسان، تفاوت های سطوح زندگی را عمیق‌تر و زیادتر می‌سازد. از اینرو، تفاوت های فوق به عواملی چنان اساسی مربوط می‌شوند که می‌توانند آینده یک انسان و انگیزه های فعالیت او را تحت تاثیر قرار دهند. لایه بندی حاصل از این تفاوت، وقتی در معیار جهانی مطالعه شود ابعاد وسیعتری پیدا می‌کند، و تجلیات و نتایج آن در روابط بین جوامع و ملل در قیاس با نتایج داخل یک جامعه، اهمیت بیشتری می‌یابد.

در حالیکه ترکیب روابط اقتصادی و سیاسی - و پیشرفتهای علمی، تکنیکی و فرهنگی ناشی از این ترکیب - در معیار جهانی اختلافاتی را پدید می‌آورد، پیشرفت جهان تمدن فی نفسه، از طریق تاثیر برکنش انسانها، بر عقب این اختلافات می‌افزاید. مردم جهان از راه آموزش، رادیو، تله ویزو و دیگر وسائل ارتباط جمعی دائم بیکدیگر نزدیک می‌شوند و ارزش گذاری آنها بر فعالیت های ممکن و دلخواه همگونی می‌گردد. این امر بر روی رفتار انسان، و در نتیجه، بر روابط اجتماعی و سیاسی تاثیر می‌گذارد. انسانها و ملل، با شناخت بیشتر تمدن معاصر، باین حقیقت میرسند که در مقابل آن بجز یک فرد و یا یک طبقه پست‌تر چیزی نیستند.

تجارب تاریخی نشان می‌دهند که کوشش برای بدست آوردن برابری انگیزه اجتماعی نیرومندی است که در عمل شدت بیشتری می‌یابد. انسان نمی‌تواند نابرابریهای روزافزون شرایط اجتماعی و اقتصادی حاصل از ساخت های حاکم را چه مربوط به گروههای اجتماعی، و چه مربوط به ملل و روابط آنها، تحمل کند. نابرابریهایی که در احصای درونی وی نسبت به ارزشهای خویش، کوچکترین محلی ندارند. بهمین دلیل، کشورهای در حال توسعه، برای پیشرفت سریعتر، به اعمال فشارهای بیشتر و کوششهای همه‌جانبه سیاسی دست خواهند زد. تقاضاهای این جنبش، تا حدی که بعنوان یک سطح حداقل توسط همه ملل مورد قبول قرار گیرد، برای نیل بیک تعادل جهانی اجتماعی و سیاسی که برای همزیستی مسالمت آمیز غیر لازم است، ضرورتی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

نمی‌خواهم بگویم که هدف اصلی کشورهایی که دارند از لحاظ تکنیکی و اقتصادی عقب می‌روند، برطرف کردن اختلافات موجود جهانی است. و نمی‌خواهم بگویم که مسائل اساسی کشورهای در حال توسعه تعیین ضوابط برای برطرف کردن شکاف های موجود است. ملتها، سنتها و انگارهای اجتماعی و سیاسی کم و بیش توسعه یافته خاص خود دارند و از مسائل اضطراری خاصی رفع می‌یابند. برای آینده نسل فعلی این کشورها، رسیدن به نوع زندگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای کاملاً پیشرفته نه ممکن است و نه دلخواه. هدف اساسی آنها باید حل مسائل خاص خود باشد. برطرف ساختن گرسنگی، فقر، نابرابریهای اجتماعی و شرایط زندگی سخت‌آور باشد که رشد قابلیت سازندگی انسانها را عقب می‌راند. البته نمی‌توان از این حقیقت در گذشت که نابرابریهای مهم فعلی جهانی به طور فزاینده‌ای به پیشرفت‌های داخلی ملتها کمک می‌کند، چه، شناخت امکاناتی که تمدنهای علمی و فرهنگی در دسترس انسان می‌گذارند، در ارزش گذاری این انسان نسبت بآنچه که در کشورش ممکن است و آنچه که دلخواه است تاثیر فراوان دارد.

لیکن، فشارهای فزاینده داخلی و جادطلبیهای روزافزون فعلی و آتی کشورهای در حال توسعه، با نیروهای مخالف قدرتمندی روبرو خواهند شد. با ساختی که روابط بین‌المللی در حال حاضر دارند، این کشورها با نیروهای دو قطبی کننده (۲) ای روبرو خواهند شد که کار آمدن، ثروتمندها و نیرومندان را کار آمدتر، ثروتمندتر و نیرومندتر و فقیرها را فقیرتر خواهند کرد. نیروهای دو قطبی کننده فوق، که در حوزه روابط اقتصادی، پیشرفتهای علمی و تکنیکی و شرایط سیاسی عمل می‌کنند، یکی از عوامل مهم بوجود آورنده تفاوت های روزافزونی است. برای خنثی کردن این نیروها، بمنظور تسریع پیشرفت کشورهای عقب رونده، بکار بردن نیروهای مخالف کار آمدتر بمقیاسی وسیعتر از آنچه که اکنون بکار می‌رود، ضروری است. درست بهمین قصد است که در عمل، بیک استراتژی و سیاست کاملاً دقیق احتیاج است.

در این زمینه، باید متوجه بود که بعلت وجود کشورهای قوی که از لحاظ علمی و صنعتی بسیار پیشرفته‌اند، رشد کشورهای در حال توسعه مسئله

مشکلی خواهد بود؛ مسئله‌ای بر مراتب مشکلتر از مسئله رشد ابتدایی کشورهایی که اکنون پیشرفته محسوب می‌شوند. از این لحاظ، وجود مناطق عقب افتاده در میان کشورهای کاملاً پیشرفته، معیار جالبی برای قیاس خواهد بود. نیروهای متمرکز کننده و قطبی کننده توسعه (۳)، عوجب می‌شوند که این مناطق دچار نوعی «بیماری عقب افتادگی» عمیقی گردند که مانع از پیشرفت آنها است. مطمئناً، چنانچه از بعضی تجربه‌های موفق برمیآید، این بیماریها اصولاً چاره پذیرند، ولی به درمان بخصوصی احتیاج دارند. عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موید این حقیقت‌اند که در قیاس با مناطق عقب مانده واقع در میان کشورهای پیشرفته گذشتن تمام کشورها و قاره‌های عقب مانده از مرحله عقب ماندگی بر مراتب مشکلتر است. بعضی از اقتصاددانان، بخصوص بعلت استفاده از کشورهای عقب مانده می‌توانند از پیشرفتهای تکنیکی کشورهای پیشرفته بعمل آورند، ورود تمام کشورهای عقب مانده را در فرایند صنعتی آسان‌تر میدانند. لیکن، درنگ مطالعه کلی و همه‌جانبه معلوم می‌شود که این عامل مثبت در مقابل عوامل نامساعد دیگر، امتیاز کوچکی است. برای کشورهای توسعه نیافته، استفاده از روشها و راهها و وسائل خاص، یک نیاز است. ولی این کشورها، بعلت وجود همین نیاز خاص، برای برداشت اولین قدم در وضع نامساعدی هستند. برای اینکه، علیرغم شرایط مشکل حاصل از فشارهای بیرونی، نیل به هدفهای توسعه ممکن گردد، روشها و وسائل فوق باید با دقت تعیین و انتخاب شوند.

شرایط نامساعد زندگی یک انسان که در راه کوششها و جاه طلبیهای او سنگ می‌اندازد، معمولاً موجب افزایش کوششها و فعالیت‌های عقلی وی میگردد. زیرا که کنش عقلی لازمه اثر بخشی تمام کوششهاست. در واقع یک چنین کنشی برای کارآمد کردن فعالیت های انسانها در شرایط سخت، اصل اساسی است.

برای انجام وظایفی که برای پیشرفت قسمت اعظم انسانها، یعنی انسانهای عقب مانده، لازم است، کاربرد روشهای عقلی استراتژیک یا برنامه‌ای (۴) در دو مورد ضرور می‌آید:

- ۱- در مورد اول، در یک حد جهانی، که تمام انسانها را دربرگیرد.
 - ۲- در مورد دوم، در حد جوامع در حال توسعه جداگانه، که بدون چنین روشها، کوششهای آنها راهی به آرزوها و هدفهای آنها نخواهد یافت.
- در مورد اول، مشکلاتی که بر اثر نیروها و تمایلات ناشی از ساخت های جهانی (۵) در راه فزاینده توسعه ملتها قرار می‌گیرند، بطور کافی بحث شده است. در داخل جوامع در حال توسعه مشکلاتی وجود دارند که موضوع بحث ما خواهند بود. در واقع، جوامع محروم و در حال توسعه نمی‌توانند ساخت‌های بیرونی را کنترل کنند. آنها، حداکثر می‌توانند اثرات منفی این ساخت‌ها را خنثی کنند و یا از وجود مثبت آن سود ببرند. ولی بعکس، این جوامع معمولاً در شکل بخشیدن به عوامل داخلی و تغییر شکل دادن نیروها و روابط محلی، از امکانات بیشتری برخوردارند. تعلقی کردن استراتژیک یا برنامه‌ای همین‌گونه کوششهاست که بعلت اهمیت و پیچیدگی آنها اساس کار است.

توسعه یعنی تغییرات اجتماعی و اقتصادی

اختلافات باارزی که امروزه در سطوح زندگی جوامع مختلف مشاهده میشود، انجام بعضی تعبیرها و تفسیرها را ضروری می‌سازد. لیکن، قصد ما ارائه یک تفسیر تاریخی و چگونگی بوجود آمدن وضع فعلی نیست، بلکه هدف شناسایی استراتژیک (۶) دردهاست، که راههای تغییر وضع فعلی را روشن می‌سازد.

بدون شک، بین کارآئی اقتصادی جوامع و سطح زندگی آنها رابطه قوی و مستقیمی مشاهده میشود. بطوریکه، اختلاف بین سطوح زندگی، از اختلاف بین کارآئی اقتصادی جوامع مربوطه نتیجه می‌گردد. البته این نه بدان معناست که از اهمیت عوامل خارجی که می‌توانند بسیار مهم باشند - و بعضی اوقات - براسی وحشتناک، غافل باشیم. لیکن باید دانست که بین عوامل خارجی و کارآئی داخلی رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. کارآئی بیشتر استفاده بهتر از عوامل خارجی و کنترل کاملتر کار آنها را ممکن می‌سازد. این را بخوبی می‌توان در تجارب کشورهای در حال رشد کاملاً موفق مشاهده کرد. از اینرو، در تدوین راههای شناسایی استراتژیک یا برنامه‌ای، اصل

مسلم کارآئی اقتصاد داخلی ، و همراه با آن ، اصل عوامل توسعه داخلی ، بعنوان اصول مهم رشد اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی مردم ، باید مورد نظر قرار گیرند . هر گونه راه‌شناسائی دیگر بدرماندگی می‌انجامد و به چشم دوختن به بخت‌خوش . لکن ، یکبار دیگر بر این نکته تاکید میشود که شناسائی استراتژیک نمی‌تواند بعنوان يك تفسیر تاریخی قلمداد شود . از اینرو ، مقصود این نیست که کشورها صرفاً بعلمت کارائی ناقص فقیرند و مسئول موقعیتی هستند که گرفتار آند . در عوض می‌خواهیم بگوئیم که کشورهای فقیر بدون افزودن بر کارآئی خویش ، قادر به تغییر سرنوشت خود نخواهند بود . نقش کولونیالیسم در استثمار کشورهای مفتوح و جلوگیری از فرایند توسعه آنها مشهور خاص و عام است و شناخت آن برای تفسیرهای تاریخی اهمیت اساسی دارد ، ولی این شناخت در تعیین راه‌های شناسائی استراتژیک دارای بعد وسیعی نیست . ساختها و نفوذهای استعماری ، باوجود تغییری که در ظاهر داده‌اند ، اغلب در حفظ روش های قدیمی استیلا و استثمار موفق بوده‌اند . این حقیقت که برای خنثی کردن موفقیت‌آمیز این نفوذها باید از وسائل سیاسی استفاده برد ، نه تنها منکر افزایش کارآئی داخلی و قدرت اقتصادی نیست ، بلکه لزوم آنها را نیز تاکید میکند . بنابراین ، شناسائی استراتژیک دردها ، با تاکید بر روی بالا بردن کارآئی اقتصادی داخلی دارد ، در تمام موارد دارای اهمیت اساسی است .

و نیز بطور وضوح می‌گوئیم که کارآئی اقتصادی یکی از مختصات اساسی و پویای جوامع است . و این کارآئی هیچگونه ربطی با مختصات ژنتیکی نژادها و یا ملل ندارد . میراث ژنتیکی نژاد انسانی همجا یکسان است و تفاوت ژنتیکی بین اشخاص يك نژاد و یا يك ملت چه با که در قیاس با تفاوت های ژنتیکی نژادها و یا ملل ، بزرگتر باشد . مطالعات اجتماعی موجود این امر را بخوبی ثابت می‌کنند و هر گونه گفته‌ایکه خلاف حقیقت فوق باشد از تعصبات نژادی سرچشمه گرفته و فاقد اساس تجربی است . کارآئی اقتصادی مختصدهای اجتماعی است ، و از نقطه نظر تجربی ، هر اجتماعی می‌تواند به کارآئی بالاتری برسد . لیکن ، این نباید بدین معنی باشد که نیل به کارآئی بیشتر بسادگی و بسرعت انجام می‌پذیرد .

بنابر عقیده بعضی ، عدم کارآئی و سطح اقتصادی پائین از کمبود سرمایه یا عقب ماندگی تکنولوژیکی و یا هر دو ، و یا از کمبود نیروی انسانی متخصص نتیجه میشود . این تمام حقیقت نیست و در نتیجه ممکن است به برداشت های غلطی بینجامد . یکی از اینگونه برداشتها برآست که برای حل مسائل کشورهای عقب مانده از لحاظ اقتصادی ، وارد کردن سرمایه و تکنولوژی جدید ، و در بعضی اوقات نیروی انسانی ، کافی است . با استدلال بیشتر ، گفته میشود که ظرفیت واردات يك جامعه یکی از عوامل مهم محدود کننده توسعه کشورهاست . ضعف اینگونه برداشتها نه درآست که عوامل فوق بی‌اهمیتند ، و ظرفیت واردات ، بالخاص ، نقش مهمی در فرایند توسعه ندارد . عیب از شناسائی يك جانبه دردهاست . مسئله اصلی عبارت از این حقیقت است که کارآئی اقتصادی يك مختصه اجتماعی است که بتوسط روابط و نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد . شناخت کامل این نکته اساسی باید قبل از سرزنش گرفتن عوامل اقتصادی انجام پذیرد .

برای تبدیل يك جامعه سنتی بيك جامعه نو ، و یش سرگذاردن رکود اقتصادی و نیل بتوسعه ، و تبدیل رشد اقتصادی کند به رشد اقتصادی تند ، باضافه حفظ این رشد اقتصادی ، باید در کار کرد ارگانیزم اجتماعی و اقتصادی جامعه تغییرات شگرفی بوجود آورد . در واقع مسئله اصلی همین است . بنابراین می‌توان گفت که استراتژی یا برنامه توسعه بجز استراتژی یا برنامه برای يك سلسله تغییرات اجتماعی و اقتصادی چیز دیگری نیست . پیشرفت بدون تغییر ممکن نیست . عمل به جنبش احتیاج دارد .

ایجاد تغییر ، مطابق يك قاعده کلی ، فرایند مشکلی است . بخصوص در مورد تغییرات اجتماعی که بر ساختهای حاکم و نهادهای اجتماعی تاثیر کلی میگذارند . برای بوجود آوردن تغییر به نیروهای ویژه اجتماعی و سیاسی و مصلحین قوی نیاز می‌افتد . فقط از این راه است که می‌توان به تغییرات مثبت رسید و لاغیر .

جهت تغییر کارکرد جوامع باید بدقت مشخص گردد . این تغییر خود هدفی نیست ، ولی در خدمت هدفهای مشخص اجتماعی و اقتصادی در می‌آید .

تغییراتی که در رفتار انسانها تاثیر می‌گذارند ، و به نیروهای اجتماعی توسعه تحرك می‌بخشند و کارآئی اجتماعی فعالیتها را بالا می‌برند ، از تغییرات بسیار مهم‌اند .

تغییر بعنوان يك نیروی درونی

از لحاظ نظری ، نیل به توسعه بتوسط آنچه که « توسعه وارداتی » خوانده میشود و بر اساس انتقال سرمایه‌های عظیم و کمک‌های تکنیکی عمل میکند ، امکان پذیر است . در مورد اینگونه توسعه‌ها ، مثالهای ته چندان متعددی را می‌توان عرضه داشت . لیکن ، حل مسائل اغلب ملل فقیر از طریق فوق عملی نیست . کمکهای سرمایه‌ای لازم برای انواع گوناگون توسعه انتقالی فوق سر باسما می‌زند . سازمان ملل متحد برای رشد اقتصادی دهه دوم توسعه کشورهای عقب مانده ، علاوه بر توصیه‌های دیگر ، انتقال يك در صد از تولید ناخالص ملی کشورهای پیشرفته را بقیامت بازار ، بعنوان کمک اقتصادی ، به کشورهای در حال رشد توصیه کرده است . مسئله در اینستکه حتی اگر تمهد فوق به چند برابر مقدار پیشنهادی نیز برسد ، مسئله کم رشدی کشورهای عقب مانده هنوز لاینحل میماند . کارشناسان توسعه اقتصادی و روابط اقتصادی بین‌المللی ، منکر کمک‌های خارجی نیستند . ولی چون میزان این کمک‌ها بالا نیست ، راه حل مسائل کشورهای فوق را باید در مرحله اول در عوامل و دیگر گونی های درونی جستجو کرد .

بدون اینکه بخواهیم اهمیت کمک های خارجی و نیاز بيك استراتژی جهانی برای بهسازی موقعیت فعلی کشورهای در حال توسعه را منکر شویم ، باید بگوئیم که این کشورها باید برای حل مسائل خود بیش از هر چیز ، مسئولیت کامل توسعه خویش را خود بهعهده بگیرند ، و بر نیروی خود تکیه کنند ، و هم و غم خود را متوجه بالا بردن کارآئی خود گردانند . این بدین معنی ، علاوه بر مطابقت بیشتری که با نیات و هدفهای ملی دارد ، در عمل نیز تنها راه واقع گرایانه حل مسئله است . تجربه نشان داده است که اتکالی مفرط به کمکهای خارجی از کوشش های کمک گیرنده می‌کاهد ، و بمقدار زیادی ایجاد تغییرات لازم برای اجتماع را بتأخیر می‌اندازد . تمرکز بر روی نیروها و عوامل داخلی بهیچوجه از میزان سودمندی یا مطلوبیت کمکهای خارجی نمی‌کاهد . لیکن ، این کمک ، نباید تحرك داخلی را کند گرداند و از اهمیت دیگر گونیهای لازم داخلی بکاهد و در راه استراتژی یا برنامه توسعه يك کشور سنگین بیندازد . علاوه ، تجربه نشان داده است که استفاده موثر از کمک های خارجی بمقدار زیاد به کارآئی عمل يك کشور مربوط است . افزایش توانائی داخلی برای گام برداشتن در جهت توسعه خود بخود امکان استفاده مقبول و کارآمد کمکهای خارجی را نیز ممکن میسازد .

از اینها گذشته ، روشی که تکیه بر نیروها و فعالیت‌های داخلی کشورهای عقب مانده توصیه می‌کند ، و ممکن است در نظر بعضی خوش بینانه بیاید ، بر این اصل استوار است که کشورهای در حال رشد ، خود کاملاً قادر به حل مسائل اساسی اقتصادی خویش میباشند . این روش زاده يك خوش بینی عاطفی نیست . روش فوق ، در عوض ، بر این حقیقت تاریخی استوار است که کارآئی اقتصادی خود يك مختصه اجتماعی است ، که فی‌نفسه ، بدست می‌آید و مخصوص چند ملت و یا گروه اجتماعی خاص نیست .

لیکن ، مانند توانائی های دیگر ، ظرفیت جوامع در نیل بيك کارآئی بالایی اقتصادی ظرفیتی بالقوه است . برای تبدیل این ظرفیت بالقوه بيك نیروی عملی که بتواند واقعیتها را تغییر دهد ، به عوامل متعددی احتیاج است . در نتیجه ، در موقع تدوین برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی ، در نظر گرفتن عوامل لازم برای نیل بهدف فوق ، ضرورت خاص دارد .

از میان شرایط لازم برای تبدیل توانائی بالقوه فوق به يك نیروی عملی ، يك شرط اولویت درجه يك دارد . و آن اینکه ، ملت‌ها و رهبران آنها باید این موضوع را بطور کامل بپذیرند که تبدیل فوق امکان پذیر است . متأسفانه ، یکی از مختصات انسان و جوامع اینستکه تا با امکانات خود اعتقاد پیدا نکنند ، از ظرفیت‌های بالقوه خود استفاده نمی‌برند . نتیجه اینکه ، آگاهی به توانائی حل مسائل ، چه در يك انسان و چه در يك جامعه ، از بقیه در صفحه ۶۰

میرزا آقا خان کرمانی (بقیه)

- ۴ - ایران در زمان ساسانیان - آرتور کریستنسن - ترجمه رشید یاسمی ص ۲۲۱ - چاپ ۱۳۱۷ تهران .
- ۵ - همان کتاب ص ۲۲۳ .
- ۶ - همان کتاب ص ۲۲۵ .
- ۷ - همان کتاب ص ۲۴۱ .
- ۸ - همان کتاب ص ۲۵۳ .
- ۹ - سه مکتوب - میرزا آقاخان کرمانی - نقل از ص ۱۶۶ - اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی - آدمیت .
- ۱۰ - آئینه اسکندری - میرزا آقاخان کرمانی ص ۵۴۰ - نقل از ص ۱۶۵ اندیشه های میرزا آقاخان - آدمیت .
- ۱۱ - اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی ص ۶ و ۱۲ - فریدون آدمیت .
- ۱۲ - نگاه شود به زندگانی من - ده سال دغدغیه - چرا از عدلیه بیرون آمدم - ما چه می خواهیم - صوفیگری - شیعیگری - یبانیگری - دین و دانش - دین و جهان و ... چاپ پایدار و کلیه قصه های صادق هدایت و صادق چوبک - بخصوص نمایشنامه مازار نوشته هدایت و میتوی .
- ۱۳ - اندیشه های میرزا آقاخان ص ۲۰۲ .
- ۱۴ - نامه میرزا به ملکم در ۱۳ ربیع الاول ۱۳۱۱ ق - از ص ۲۴ اندیشه های میرزا آقاخان نقل شد .

در پایان ذکر دو نکته ضروری است : اول اینکه در بررسی اندیشه های سیاسی و اجتماعی میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی منبع مراجعه من ، قرارداد اجتماعی روسو - ترجمه غلامحسین زیرلزاده ۱۳۴۴ شرکت سهامی چهر - جمهوریت افلاطون ترجمه رضا مشایخی چاپ معرفت - روح القوانین منسکیو - ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی چاپ علمی ۱۳۲۴ - سیر حکمت در اروپا - محمدعلی فروغی - چاپ زوار - سیاست ارسطو ترجمه حمید عنایت - نیل - تاریخ ادیان - علی اصغر حکمت - چاپ ۱۳۴۸ ، ابن سینا - و تاریخ فلسفه ویل دورانت ترجمه عباس زرباب خوبی چاپ ۱۳۴۵ دانش بوده است . دوم اینکه در ترجمه زیرنویس ها و استنادات از منابع فرنگی دوست و برادر من بایرامی دوبار (از من انگلیسی) و در بقیه موارد همسر من رایا نوزادیان از متون (انگلیسی - فرانسه و روسی) مرایاری کردند . سپاسگزارم .

[وقتی يك كتاب تازه چاپ می شود، یعنی اینکه انسانی خواسته است حرفش را بگوید و حرفش را بپراکند . هر کتاب کمابیش حرف يك انسان است .]

آرتور کریستنسن

به تازگی منتشر کرده ایم

- هنر داستان نویسی - ابراهیم یونسی - (چاپ دوم)
- لوکاج - جرج لیستهایم - بهزاد باشی
- کمندی الهی (۳ جلد) - دانته الیگیری - شجاع الدین شفا - (چاپ سوم)
- شور زندگی - ابرویننگ استون - دکتر محمدعلی اسلامی (چاپ پنجم)
- کریم خان زند و زمان او - پرویز رحیمی
- برگزیده جوامع الحکایات - به اهتمام دکتر جعفر شعار
- گرگها و آدمها - آنتون چخوف - کورش مهربان



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

کتابهای دلخواه خود را از تلفن ۳۱۶۹۳۵ بخواهید .

ابعاد اجتماعی توسعه (بقیه)

اولین مقدمات تدوین يك برنامه توسعه است . این آگاهی باید بصورت يك نیروی قوی اجتماعی درآید ، در واقع ، این تنها نیروی است که می تواند برستی و محافظه کاری فائق گردد . و بالاخره ، چون تغییرات مورد نظر باید در کارکرد مکانیزم اجتماعی و اقتصادی کلیه مسائل ، چه بلند مرتبه و چه ساده ، وارد آیند ، لذا نیروی فوق باید در تمام جهات پراکنده گردد و عمل کند . بنابراین يك مات بعنوان يك گل باید دید روشنی از نیروهای بالقوه و قابلیت های خود در دست داشته باشد . بوجود آوردن این دید ، اولین هدف برنامه یا استراتژی توسعه است .

- ۱) Strategic Rationalization
- ۲) Forces of Development Polarization
- ۳) Development Polarization
- ۴) Strategic Rationalization
- ۵) World Structures
- ۶) Strategic Diagnosis

آموزشگاه انگلیسی - نژاد

برای ترم تابستانی تعدادی دانش آموز میپذیرد .

انگلیسی خرد سالان ۱۲ - ۸ سال : شامل خواندن و نوشتن و مکالمه

انگلیسی معضلین دبیرستانی : دوره اول ، شامل گرامر ترجمه ، مکالمه

انگلیسی برای داوطلبان متفرقه

مکالمات روزمره : مخصوص اشخاصیکه قصد یاد گرفتن مکالمات روزمره انگلیسی را دارند .

شرایط و امتیازات دوره :

- ۱- از داوطلبین دوره امتحان ورودی بعمل میآید .
- ۲- پذیرش معضل هر کلاس ۲۵ نفر کثرتی تضمینی دوره نشره سه ماهش ماهه
- ۳- کتابهای گرامر انگلیسی و مکالمات روزمره مصور با هزاران تمرین و تست چهار جلدی **مجانی**

انگلیسی ، ماشین نویسی و شورت هند

با جدید ترین متد و برنامه متد اول در انگلستان زیر نظر بانوی انگلیسی يك یاسه ماهه یاد گرفته با خذ دیپلم بانک و راهشانی **مجانی** در مؤسسات متی و دولتی استخدام شوید .

مکالمات روزمره انگلیسی خصوصی ، توسط بانوی انگلیسی در مؤسسه یا منزل شما اوقات تدریس ۸ صبح تا ۹ شب هفته ای ۶ تا ۲۴ ساعت طبق تمایل و وقت دانشجویان .

برای اطلاع بیشتر به آموزشگاه انگلیسی - نژاد - پهلوی مقابل کاخ مرمر مراجعه یا با تلفن های : ۴۲۰۸۶ - ۴۷۱۴۱ تماس حاصل فرمائید .